

حاکمیت اسلام در تناقض با حرمت انسان

ترحم آزار دهند اسلامی قرار میدهند و در دادگاه "اطفال" به استنطاق می کشانند!! دو دختر فراری و "ولگرد" مورد اشاره روزنامه سیاست روز، ۱۶ ساله و ۱۸ ساله بوده‌اند، با اینحال رویه کریه تحقیر و زجردهنده اسلامی، اینها را "طفل" مینامد! شناخت این سالوسی اسلامی و یتیم نوازی خرد کننده حکام اسلام، وقتی منجر کننده تر خواهد شد، که جایگاه زن و دختر را نزد اسلام و قوانین اسلامی و نزد مرتجعین کثیف حافظ حکومت‌های اسلامی ببینیم. متحیر میمانم که با این ابعاد ضد انسانی اسلام بویژه آنگاه که به قدرت سیاسی چنگ میزند، چگونه دگراندیشان "تحصیلکرده" و دانشگاه رفتاری یافت میشوند که هم و غمشان "اصلاح" اسلام در حکومت است، و در برابر نیروی که تصمیم به زیر کشیدن حکومت چنین جانورانی گرفته است، عزم کرده‌اند که در مصاف انسانیت و توحش، در مصاف اردوی صیانت از حرمت انسان با لشکر اراذل مرتجع، زیر عبای اسلام پروسه مدرنیزه کردن بربریت اسلامی را ادامه دهند. اینها را فقط میتوان "دگراندیشان" و ایدئولوگهای فاشیسم نام نهاد.

وقتی که بحث از سلطه قوانین اسلامی بر جامعه است، وقتی بحث آپارتاید جنسی و لگد مال کردن حیثیت و کرامت انسانی زن در میان است، طبق قوانین شرع انور، دختر بچه ۹ ساله، بالغ است، میتواند مورد تعدی و دست درازی جنسی زنی‌های اسلامی قرار گیرند آنهم نه یکی و دوتا بلکه تواما حداقل چهار تا، اینها را میتوان صیغه کرد و در لانه‌های فساد اسلامی که در مجاورت قبر امامزاده‌ها دایر کرده‌اند در معرض انواع هتک حرکت قرار داد. اینجا اینها باید پوشش اسلامی را از همان هشت سالگی رعایت کنند، برای این کودکانی که باید در پارکها و محلهای تفریح بازی کنند، هر سال در مدرسه و هنگامی که کلاس دوم دبستان را شروع کرده اند، "جشن تکلیف" میگیرند و نزه خراهای اسلامی زان پس آنها را "خواهر" صدا میزنند. تعدادی از همینها که در میان فقر و فلاکتی که جمهوری اسلامی بر مردم حاکم کرده‌است، وقتی محیط خانواده را ترک میکنند، از فشارها فرار میکنند و ناچاراً به تن فروشی کشانده میشوند، بعنوان "کودک" و "طفل" مشمول

ردالت اسلامی، بطور علنی و در یک روزنامه سراسری اسم او را که ناچار شده است دست به دزدی بزند چاپ میکنند. و همین کافی است که این نشانه گذاری و دست نشان کردن او موجب عمری تحقیر و اهانت و سرشکستگی باز هم بیشتر او در جامعه شود. نوجوانی که به دلیل عقب ماندگیهای جسمی باید مورد حمایت قرار گیرد، امکانات در اختیارش گذاشته شود تا این عیب جسمی موجب تحقیر او نشود، در حکومت اسلام، و درست مانند هر انسان دیگری تحت سیطره اسلام، باید بخاطر عذابی که "خداوند کریم" در خلقت او نصیبش کرده است، مادام‌العمر کفار گناهان هیچوقت مرتکب نشده را به امت و "باریتعالی" پس بدهد. حقیقتا که اسلام چه در حکومت و چه خارج حکومت، کثیف، ضد انسانی، توحش و شناخت محض است. همین یکی دو روز پیش باز همین روزنامه سیاست روز، خبر داد که دو دختر فراری و "ولگرد" را که سر از "خانه فساد" در آورده بودند، در دادگاه "اطفال" محاکمه کردند.



ایرج فرزاد

وقایع عجیبی در رژیم اسلام اتفاق می افتند چند روز پیش روزنامه "سیاست روز" خبر داد که نوجوان کرولالی را به جرم دزدی محاکمه کردند. مخبر اسلامی این روزنامه با قدری تعجب از گذشته از تحقیر این نوجوان بیچاره نوشت که: این مجرم " نتوانست در دادگاه از خود فاع کند!" واقعا اسم این عدالت پروری و انصاف را جز اسلامی میتوان لقب دیگری داد؟ نوجوانی بی پناه، فاقد قدرت تکلم و شنوائی، بدون هیچ حامی و پشتیبان و وکیل مدافع را صرفاً به منظور تمسخر و تحقیر اسلامی، دستگیر کرده‌اند، مرعوب کرده‌اند و در برابر چند قلچماق پشم آلو و میرغضب به اسم قاضی و حاکم شرع قرار داده‌اند و بعد با تبختر ناشی از

رژه احزاب
ناسیونالیست

صفحه ۲

دیالوگ

صفحه ۳

مریم ایوبی
سنگسار شد

صفحه ۴

طول موج

رادیو انترناسیونال
هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

۲۵ متر برابر با

۱۱۶۳۵ کیلوهرتز

و

۱۱۹۰۵ (فرکانس جدید)

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹

ایسکرا

سردبیر: ایرج فرزاد

iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۳۶۸۸۵۱۱

فکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S

Box 15203

104 65 Stockholm

پست گيرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

طالبانی - نوشیروان باید محاکمه شوند

(به مناسبت سالگرد جنایت اتحادیه میهنی علیه حزب کمونیست کارگری عراق)

با جمهوری اسلامی به نیروی مزدور مسلح اتحادیه میهنی متوسل شدند و پرونده سیاهشان را سیاهتر نمودند. بویژه اقدامات آنها در نیمه اول ماه جولای ۲۰۰۰ به وضوح گانگستری و مافیایی بود. خیلی خلاصه این اقدامات را مرور میکنم و منصفانه قضاوت کنید: به گرو گرفتن زندگی و حیات انسانها از طریق قطع آب و برق و تلفن مقرهای حزب کمونیست کارگری و مرکز دفاع

صفحه ۲

رفقای ما و کشتن ۵ تن از شریفترین انسانهای راه رهایی و برابری انسانها، به دنبال ۵ ماه کشمکش سیاسی و عملی اتفاق افتاد که هر روز به بهانه واهی علیه حزب کمونیست کارگری عراق علم میشد. مثل اینکه شگردها و ترفندهای مختلف و رسوای هر از چند گاهی کارساز نبودند و نهایتاً و در هماهنگی

حزب کمونیست کارگری عراق در ماه جولای (تیر ماه) سال گذشته ماهیت سیاه این جریان و سرسپردگی آن را در قبال جمهوری اسلامی به وضوح نشان داد. حمله نظامی باند گانگستر - عشیره‌ای طالبانی در روز ۱۴ جولای ۲۰۰۰ به مقرات حزب کمونیست کارگری عراق، به رگبار بستن ماشین حامل



رحمان حسین زاده

توطئه‌های پشت سرهم و اقدامات سبعمانه و جنایتکارانه مزدوران اتحادیه میهنی علیه کمونیسم و

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

رژه احزاب ناسیونالیست کرد



عبدالله شریفی

"کرد" پذیرفته و گوشزد کرده است، باید تمامیت ارضی عراق را برسمیت بشناسند، از رویی هر نوع دولت و حکومت کردی چشم پوشی کنند وغیره. البته احزاب ناسیونالیست کرد در این رابطه، هیچگاه مایه دردسر نبوده اند، فقط منتظر اشاره ای هستند تا "هر آنچه در توان دارند، صادقانه در طبق اخلاص گذارند". اوایل این ماه مسابقه ای دیدنی، برای اظهار وفاداری به این "ندا" در جریان بود: ۴ ژوئیه مسعود بارزانی رهبر پارتی در اجلاسیه دوره دوازدهم کادرهای حزبی، از جمله گفت: "پارتی حزب مادر است و مسئول ... ما انقلابمان را کرده ایم، حالا نوبت سازندگی جامعه مدنی و رعایت حقوق بشر رسیده است ... ما به برادری کرد و عرب افتخار میکنیم و به حفظ تمامیت ارضی

بعد از دید و بازدیدهای اخیر جلال طالبانی و مسعود بارزانی، به واشنگتن و آنکارا، به تحركات معنی دار و قابل انتظاری دست زده اند. نخستین بار نیست که با بازگشت "زعما" از تهران، آنکارا، لندن و... با هر ساز روز و دلخواه دول مذکور به رقص در می آیند. گویا آمریکا میخواهد مساله کرد در کردستان عراق را در رابطه با آینده سیاسی عراق به نحوی "حل" کند. داستان این است که دولت ترکیه آنها را به عنوان احزاب عراقی و نه احزاب

عراق متعهد هستیم..." (به نقل از روزنامه برابره تی ۵ ژوئیه ۲۰۰۱)

و همچنین فواد معصوم عضو دفتر سیاسی اتحادیه میهنی، در مصاحبه تلویزیونی با کانال سحر وابسته به جمهوری اسلامی، میگوید: "رابطه ترکیه با ما مخصوصا که آنکارا متوجه شده است که ما عامل اخلاص امنیت در منطقه نیستیم، گرم و رضایت بخش پیش میروند. سیاست ترکیه این است که تمامیت ارضی عراق خدشه دار نشود، ما هم به آن پایبند هستیم چون اصلا جدایی کردستان مطرح نبوده است ... (به نقل از روزنامه کردستانی نوی ۲ ژوئیه ۲۰۰۱)

مضاف بر این و متعاقب آن، عبدالله اوجلان رهبر پ. ک. ک پیامی از طریق وکلای خود به بیرون از زندان فرستاده است، که آمده است: "کردهای ترکیه خواهان جدایی نیستند و در چهار چوب قانون برای احقاق

حق خود مبارزه میکنند..." (به نقل از خیرگزاری ایرنا ۸ ژوئیه ۲۰۰۱)

این بیعتها و لیبک گویی ها چیز تازه ای نیستند، پیچ و خم کد " برادری کرد و عرب" نزد اینها، بر کسی پوشیده نیست. هر کس یکسال اوضاع سیاسی کردستان را تعقیب کند، منشا این پارگیریها، دوستیها و دشمنیها را می فهمد. اگر منافع دول منطقه ایجاب کند، دوستها دشمن میشوند و دشمنها دست در گردن هم می اندازند، جدائی خواهان یکشبه مدافع حفظ تمامیت ارضی میشوند، فدرالیستها و خودمختاری طلبان رنگ عوض میکنند، از این رو به آن رو میشوند. اصلا ماهیت و پرستیژ احزاب ناسیونالیست کرد چیزی غیر از این نیست، افق و چشم انداز آنها، شریک شدن در حاکمیت است به هر قیمتی، در نتیجه اگر چنین نبود، غیر طبیعی به نظر می رسید.

یک دهه تمام است که این احزاب،

صفحه ۴

طالبانی - نوشیروان ۰۰۰

کارگری بر اساس سند فوق ارتجاعی سرتیپ نظر علی، "دادستانی" حکومت خود گمارده سلیمانیه توطئه تدارک میدیدند. آنها در "ادعانامشان" ابایی نداشتند و رسماً نوشتند که تبلیغ برابری زن و مرد، تبلیغ علیه مذهب و مطالبه جدایی دین از دولت، مبارزه علیه اسلام و جریانات وابسته به آن، خواست تغییر قوانین رژیم سیاه بعث در خصوص حقوق زنان، خواست استقلال کردستان عراق، اتکا به مردم و جمع آوری کمک مالی داوطلبانه از مردم ... جرم محسوب میشود. اینها آنقدر کودند که به این فکر نکردند که چنین "ادعانامهای" از نظر زنان و مردان آزاده سند محکومیت آنها و سند افتخار ماست. زیر فشار اعتراض و مبارزه این سند را پس گرفتند، اما توطئه گریشان پایان نیافت. سرانجام به حمله نظامی و جنایت پناه بردند.

سابقه جنایتهای این باند سیاه درست به قدمت عمر خود این جریان است. این را همه مردم کردستان میدانند باند گانگستری طالبانی - نوشیروان برای سرکوب هر نیروی مخالف

از زنان بی پناه و منازل مردم عادی همسایه این مقرها در وسط شهر و جلو چشم همگان. محاصره نظامی و میلیتاریزه کردن شهر، حمله نظامی درست در حین گفتگو با هیئتی از رهبری حزب کمونیست کارگری ظاهراً به منظور ممانعت از شروع جنگ و خونریزی و بیشرمانتر از اینها، به گروگان گرفتن هیئت گفتگوی حزب کمونیست کارگری در روز ۱۶-۷-۲۰۰۰ چیزی که کمتر در مناسبات دولتها و نیروهای متخاصم و درگیر جنگ و حتی ارتجاعیترین آنها شاهدش بوده ایم. چنین اقدامی را تنها از عشایر و در دنیای امروز از باندهای مافیایی میتوان انتظار داشت. این جریان را به همین عنوان "باند گانگستری - مافیایی" باید به جهانیان معرفی کرد و رسوا نمود. طالبانی مزدور و جریان عشیرتی تحت رهبری ایشان در ادامه کشمکش چند ساله به منظور سرکوب کمونیسم و جبهه آزادیخواهانه و برابری طلبانه مبارزه در کردستان و مشخصاً از اول سال ۲۰۰۰ برای ممنوعیت حزب کمونیست

آورده است. بنا به مصلحت زمانه، روزی پاپوس بعث و صدام، زمانی شاه و خمینی و حافظ اسد و بوش و کلینتون است. دورانی کتابی سرخ مائو و دورانی دیگر کتاب سبز قذافی و بعد توضیح المسائل خمینی را سردست میگیرد.

اما در تحولات پیشاری جامعه در ایران و عراق، آژمان که کمونیسم کارگری قدرتمند قد علم کند، دیگر امکانی برای رنگ عوض کردنها و مانورهای مزورانه طالبانی و امثالهم باقی نمیماند. دوران پایان بساط مافیایی و خانخانی اینها و ایجاد حاکمیت مردم است. آنوقت طالبانی به پاپوس چه کسی میروند؟

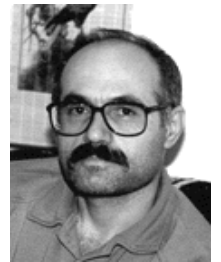
در اولین سالگرد این واقعه یاد رفقای جانباخته (شیخ عبدل، هوری لطیف، امید نیک بین، ابراهیم محمد و محمد مصطفی) را گرامی بداریم و دوباره باید تاکید کرد که تعرض جنایتکارانه اتحادیه میهنی علیه حزب کمونیست کارگری عراق در روز ۱۴ جولای ۲۰۰۰ به عنوان لکهای سیاه بر پیشانی این جریان و رهبرانش حک شده است. نمیگذاریم این روز و این واقعه فراموش شود تا آژمان که جواب شایسته ای دریافت خواهند کرد.

در تداوم این مبارزه بر حق را شاهد بوده اند. طبعاً رو در رویی با اتحادیه میهنی تنها عرصه ای از مبارزه همه جانبه حزب کمونیست کارگری علیه صف ارتجاع و نیروهای سیاه در جامعه کردستان است. اما همین مبارزه را با ابتکارات و ظرفیت بالایی باید پیش برد. اگر جمهوری اسلامی به خاطر کشتار کمونیستها "تقدیر نامه" برای امثال طالبانی - نوشیروان صادر کرد. جنبش آزادیخواهانه و رادیکال و جریان ما هم کیفر خواست خود را صادر نموده است. این جانین و نوشیروان باید حساب پس دهند و آن روز دور نیست که در دادگاهی عادلانه و مردمی محاکمه گردند.

مزدوری طالبانی و اتحادیه میهنی برای دولتهای منطقه زبانزد خاص و عام است. شخص طالبانی به گواهی تاریخچه سیاسی فعالیتش جزو بی مایه ترین، بی پرستیج ترین و جبوترین رهبران جنبش ناسیونالیستی کرد است. فرصت طلبی و نان به نرخ روز خوردن، چاپلوسی و دورویی و نوکر منشی و رنگ عوض کردن شبانه روزی، جزو خصلت جانفاده این آدم است. در بارگاه هر کس که در قدرت باشد، سر تعظیم فرود

خویش، به اصطلاح خودشان برای "رام کردن" احزاب مخالف حتی از همان خانواده جنبش ناسیونالیستی بارها و بارها به کشتار و سرکوبگری اقدام نموده است. شاید سکوت سال گذشته این احزاب در مقابل جنایات فجیعی که در چند قدمی مقرهایشان اتفاق افتاد انعکاسی از همین "رام شدنهایشان" بود. اتحادیه میهنی مزدور میداند که حزب کمونیست کارگری و صف مبارزان رادیکال آن جامعه در مقابل ارتجاع رام شدنی نبوده و نیستند. علیرغم ضرباتی که بر حزب کمونیست کارگری و سازمانهای رادیکال و توده ای وارد کردند و با وجود ممنوع کردن هر نوع فعالیت علنی حزب کمونیست کارگری عراق در طول یکسال گذشته، مبارزین آگاه و فداکار این جریان برای تداوم فعالیت کمونیستی در مناطق تحت حاکمیت این جریان به تلاش خود ادامه داده اند، از نزدیک یا مامورین و مزدوران مسلح آنها دست و پنجه نرم کرده اند و آنها را به مصاف طلبیده اند. بارها به جرم فعالیت سیاسی کادرها و اعضای این حزب را دستگیر نموده، شاهد مقاومت و مبارزه غرور آفرین آنها در گوشه زندان بوده و بعد از آزادیشان اراده مصمم آنها

دیالوگ



مظفر محمدی

(ما هم جمهوری اسلامی را نمیخواهیم)

دوست من برگشت و گفت - اما نباید کاری کرد که این اتفاق بیفتد. باید گذاشت و کمک کرد خاتمی کارش را بکند. طفلکی نیتش خیر است. و ادامه داد، این تنها نظر من نیست بلکه سیاست قریب به اتفاق اپوزیسیون ایران در داخل و خارج کشور است. ما میگوییم بگذارید خاتمی کارش را بکند، شلوغ نکنید، دندان روی جگر بگذارید. او وظیفه‌اش را انجام بدهد، بعد خودش کنار می‌رود. - از او پرسیدم: چقدر از مردم ایران بر این باورند که خاتمی و جناحش می‌خواهند کاری بکنند و یا خواهان حذف ولایت فقیه و تغییر نظام جمهور اسلامی اند؟ در مورد جریان عبور از خاتمی چه می‌گویید؟ آیا این به آن معنا نیست که کار از خاتمی گذشته و از درون طرفداران خاتمی هم خیلیها از او رویگردان اند؟ آیا اینها هم شلوغ میکنند و در کار خاتمی اخلال میکنند؟ گفت: - خاتمی می‌خواهد کاری بکند ولی جناح مقابل نمی‌گذارد. و این را بعضی از طرفدارهایش نمیفهمند. خاتمی حالا می‌خواهد قوانین دست و پاگیر را تغییر دهد اما اگر نتواند کار ایران به هرج و مرج میکشد. پرسیدم: - اگر منظور شما از هرج و مرج، اعتراض و تظاهرات خیابانی و اعتصابات کارگری و از این قبیل است، این کار که از خیلی وقت پیش شروع شده است. فکر نمیکنید این کارها و یا به قول شما شلوغیها ناشی از این بوده و هست که مردم به خاتمی باور ندارند و خود می‌خواهند کاری کنند؟ پاسخش چنین بود: - از نظر من هر کاری که بهانه دست جناح مقابل بدهد تا به سرکوب مردم بپردازد خوب نیست. بعلاوه دیگر ما در دروانی هستیم که همه چیز باید با مسالمت و از راههای دمکراتیک حل و فصل شوند مگر نمی بینید بحرانهای کشورهای مختلف هم دارد از راههای مسالمت حل میشود...

و لپنهای اسلامی بیزارند... دوست من برگشت و گفت: - باشد اگر اینطور شد و مردم برای سرنگونی رژیم بپا خاستند کی این مبارزه برای سرنگونی را رهبری میکند؟ آیا در نتیجه هرج و مرج نخواهد شد؟ گفتم: اگر شما این را میپزیرید که سرنگونی جمهوری اسلامی خواست فوری و اول مردم است، آنوقت آسان است فهمید که رهبر مبارزه و اعتراض و اعتصاب و به قول شما شلوغیهای امروز علیه جمهوری اسلامی رهبر انقلاب مردم هم هست. مبارزات تا کنونی رهبران خودش را هم به جلو صحنه آورده است.

رهبری مبارزه برای سرنگونی رژیم، خاتمی و جناحش نیست. اینها رهبر هیچ مبارزه رادیکالی علیه جمهوری اسلامی نیستند. اینها تقدشان به جناح راست برای حفظ نظام است. اینها میدانند که ادامه حکومت به شیوه سرکوب عریان جناح راست دیگر غیر ممکن شده است. اینها می‌خواهند به حیات جمهوری اسلامی به هر شیوه ممکن ادامه دهند. اینها خود جزئی از رژیم اند، با ان میمانند و با ان میروند.

سرنگونی خواست اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران است. اپوزسیون بورژوازی و ملی - مذهبی رژیم بی کفایت تر از ان است که به این خواست جواب لازم بدهد و رهبری ان را بر عهده بگیرد.

حزب کمونیست کارگری ایران بدون هیچ ابهامی و از آغاز تا کنون خواستار سرنگونی رژیم با همه جناحهایش بوده و هست و این منطبق است با آنچه مردم ایران می‌خواهند. این حزب فرصت ان را دارد که رهبری مبارزه برای سرنگونی رژیم را برعهده بگیرد. کمونیسم کارگری بار دیگر در یک جدال اجتماعی بر سر حقوق و آزادیهای مدنی، بر سر حقوق زنان، حقوق کودکان و برای آزادی و برابری انسان و برای برقراری یک جمهوری سوسیالیستی در ایران و به جای جمهوری اسلامی پا به میدان گذاشته است. ما گامهای اولیه مان را برای این کار برداشته ایم. امروز مردم به ما اعتماد

میکنند و فردا بیشتر اعتماد میکنند و دور ما جمع میشوند. ما و مردم ایران، کارگران، زنان، جوانان راه میان برتر و کم دردسزتری پیشروی خود داریم. کسانی که امروز با خوش خیالی اصلاحات در جمهوری اسلامی خود و مردم را می‌خواهند مشغول کنند، در انقلاب مردم برای سرنگونی رژیم جا و مکانی ندارند جز اینکه به خاطر توهمات و خاک پاشیدنهای امروزیشان به چشم مردم مسئولند.



لیست کمک های مالی منظم به کمیته کردستان

- هاله طاهری و بهزاد یوسفی ۲۰۰ کرون
- عزت دارابی ۵۰ کرون
- گلباغ سلیمی ۱۰۰ کرون
- محمود خاطر ۱۰۰ کرون
- جبار کردی ۱۵۰ کرون

کمک های مالی به کمیته کردستان

- رشید احمدی ۲۰۰ دلار
- ستار نوری زاد ۱۰۰ دلار
- صالح سرداری ۶۳۰ مارک
- صالح کیلانه ۱۲۰ مارک
- جمال خسروی ۱۲۰ مارک
- محمد راستی ۵۰ مارک
- ساکار احمدیان ۵۰ مارک

به

حزب کمونیست

کارگری ایران

پسپونید!

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

تملق نمایندگان کرد مجلس شورای اسلامی

ایرج فرزاد

رحمان بهمنش، نماینده مهاباد مجلس شورای اسلامی طی یک مصاحبه گفته است، مردم بعضی مناطق از جمله مردم کردستان از امکاناتی که در بقیه مناطق ایران و تحت حکومت اسلامی برخوردارند، محروم اند.

بهمنش تذکر داده است که "قانون اساسی" جمهوری اسلامی بویژه مواد ۱۲، ۱۵، ۱۹، ۳۰ و ۴۳ این قانون باید رعایت شود و مردم کرد به فراموشی سپرده نشوند.

این نماینده جمهوری اسلامی انگار که بقیه مردم ایران تحت حاکمیت رژیم اسلام از موهبت‌هایی برخوردارند و مردم کردستان از آنها محرومند، تمنا کرده است که قوانین اسلامی به یکسان و بدون تبعیض شامل حال مردم کردستان و دیگر مناطق "محروم" بشود.

جنابشان آگاهند که به دلیل فضای رادیکال در کردستان و حضور و دخالتگری کمونیست‌ها، جمهوری اسلامی از مسلط کردن قوانین ارتجاعی خود از همان ابتدا و تاکنون دچار مشکل و محصه بوده است. در جریان مراسم روز جهانی زن جلوه‌ای از مبارزات زنان را دیدیم، در

جریان مضحکه انتخابات ریاست جمهوری هم مردم کردستان همراه با بقیه مردم ایران وسیعاً آنرا تحریم کردند، در مواردی به اعتراض علنی روی آوردند و مقامات محلی همکار و هم ردیف جناب بهمنش و فراکسیون کذائی نمایندگان مناطق کردنشین با هزار بدبختی توانستند نمایش انتخابات را از سر بگذرانند.

چنین فرمایشاتی که از جمهوری اسلامی اسلامی خواسته شود قوانین ارتجاعی و "موهبت‌های" اسلامی خود را به یکسان بر مردم سراسر ایران تقسیم کند، قبل از اینکه نشان هیچ علاقه این عوامل محلی رژیم به بهبود وضع مردم باشد، نشاندهنده سرسپردگی و بیعت مجدد چنین نوکرانی در دوران بحران، ضعف و فروپاشی حکومت اسلامی با جنایتکارانی است که بیش از ۲۰ سال سابقه جنایت علیه مردم ایران را با خود حمل میکنند. این نوع فرمایشات شاید کودنترین ناسیونالیست‌های قوم پرست را به وجد آورد و آنها را از اینکه یک "مقام" کرد، به حق مساوی مردم کردستان برای برخورداری از قوانین فاشیستی اسلامی دهان گشوده است خوشحال کند و پیش داورها و لجن پراکنیهای ضد کمونیستی آنها را تحریک

کند. اما چنین اراجیفی و خوش خدمتی به ارتجاع اسلامی و قانون اساسی رژیم اسلامی، فقط در این طیف، در طیف قشر و صنفی که رگ‌گردنشان با هر اظهار لحنیه مرتجعین "کرد" بیرون میزند، پژواک ضعیف و میراثی خواهد داشت.

پیشنهاد برخی از "دلسوزان کرد" به خاتمی که تعدادی از اعضای کابینه‌اش را از میان امثال بها ادب و رمضانزاده انتخاب کند، نیز در همین راستا و با هدف کمک به رژیم اسلامی در تنازع بقا است. این طیف و این قشر مجیزگوی محلی و "کرد" ارتجاع اسلامی، ننگ دفاع از کثیفترین و جنایتکارترین رژیمهای ارتجاعی دوران معاصر را با جان و دل پذیرا شده‌اند. اما اینها که در تملق به آستان ارتجاع اسلامی این اندازه دیده‌اند، نباید فراموش نکنند در فردای فروپاشی رژیم اسلامی، بابت این خدمات به فاشیسم اسلامی باید پاسخگوی مردم باشند.



برنامه حزب کمونیست کارگری را بخوانید

و سازمانهای مخوف جاسوسی‌شان. ... بر مردم کردستان. اعلام وفاداری به حفظ تمامیت ارضی، یعنی همراه شدن با دول فاشیست در مقابل حق تصمیم گیری مردم، در باره آینده سیاسیشان، یعنی اعلام دور دیگری از سرکوب و جنگ علیه هر گونه اظهار عقیده مخالف، در مورد سرنوشت سیاسی مردم، راهی است پاخورده و قدیمی جهت امکانیابی مجدد برای ساخت و پاخت و زد و بند با دولت عراق از بالای سر مردم، دور نگه داشتن مردم در دخالتگری سیاسی و... یاران وفادار به تمامیت ارضی عراق، در کردستان ظرفیت آن را دارند این بار طی تشریفات دردناکی فرش قرمز جلو پای ارتش و آدمکشان دولت عراق، به کردستان پهن کنند. ژوئیه ۲۰۰۱



ستمگری، تبعیض و بی حقوقی که سهم کارگران و زنان و اقشار تنگدست جامعه است، در شرایطی که ناسیونالیسم کرد مطلقاً از حل آن ناتوان مانده است و حتی خود به مانعی جدی بر سر راه حل این مساله تبدیل شده است، بر دوش کمونیست‌ها افتاده است. اولین قدم برای حل مسئله کرد در کردستان عراق ایجاد کشوری مستقل میباشد. باید از طریق شوراهای کارگری و مردمی، سیستمی حاکم کرد که آزادیهای بی قید و شرط سیاسی، اجتماعی، بیان تشکل و... آزادی کامل زن و مرد، لغو ستمگری و سرکوب را با اعمال اراده مردم، تحقق یابد. کوتاه کردن دست این احزاب بر سرنوشت مردم، یعنی کوتاه کردن دست جمهوری اسلامی، ترکیه، عراق

مریم ایوبی سنگسار شد

صبح روز ۲۰ تیرماه مریم ایوبی توسط جنایتکاران حکومت اسلامی در زندان اوین در تهران سنگسار شد. مریم ایوبی ۳۲ ساله، مادر مجید ۸ ساله و حمید ۱۱ ساله مدتها بود در زندان بسر میبرد. مقامات قضائی جمهوری اسلامی حدود یکسال قبل بر طبق قانون اساسی و بر طبق شریعت کثیف اسلام، حکم سنگسار، اعدام و صدضربه شلاق او را صادر کردند و امروز پاسداران و بازجویان شکنجه‌گر زندان اوین، پس از زن صد ضربه شلاق به مریم ایوبی، او را به جرم رابطه جنسی خارج از ازدواج سنگسار کردند. پرونده سران حکومت اسلامی با این جنایت هولناک باز هم سنگین تر شد.

بدنبال اعلام حکم مریم ایوبی در ماههای گذشته، کمیته بین المللی علیه سنگسار" به ابتکار مینا احدی تشکیل شد که تاکنون بیش از ۱۵۰ سازمان و شخصیت های مدافع حقوق انسان در اروپا، آمریکا، آسیا و آفریقا به عضویت این کمیته پیوسته اند و صدها نامه اعتراضی خطاب به محمد خاتمی رئیس جمهور اسلامی علیه سنگسار ارسال کرده اند. با فعالیت گسترده این کمیته سازمانها، احزاب و مردم بسیار زیادی از سرنوشت مریم ایوبی مطلع شده اند. جمهوری اسلامی در طول حاکمیت سیاه خود صدها زن را سنگسار کرده است. آخرین مورد آن روز ۳۱ اردیبهشت بود که زنی را بعد از ۸ سال اسارت به اتهام بازی در فیلمهای پرنو و روابط جنسی خارج از ازدواج در زندان اوین سنگسار کردند. با سنگسار مریم ایوبی پرونده سران حکومت باز هم سنگین تر شد.

حزب کمونیست کارگری خاتمی و وزرای کابینه اش، خامنه ای، رفسنجانی، مستولان سه قوه و سایر سران این حکومت را سازمانده مستقیم این جنایات میدانند. اینها باید به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه و مجازات شوند. حزب کمونیست کارگری بعلاوه هر کس را که به طرف محکومین سنگ پرتاب کند، هر کس شلاق بزند و هر کس حکم اعدامی را اجرا کند شریک جرم سران حکومت اسلامی به حساب میآورد.

حزب کمونیست کارگری همه مردم آزادیخواه را به اعتراض علیه رژیم اسلامی فرامیخواند. حزب کمونیست کارگری احزاب و سازمانها و همه مردم شرافتمند در سراسر جهان را به عکس العمل قاطع در مقابل این جنایت و حمایت از مردم ایران برای سرنوشتی این حکومت فرامیخواند. رژیم اسلامی باید برود. این پیش شرط هرگونه بهبود جدی در زندگی مردم است.

مرگ بر جمهوری اسلامی

آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ تیرماه ۱۳۸۰ - ۱۱ ژوئیه ۲۰۰۱

کمیته کردستان

رحمان حسین زاده (دبیر کمیته)

email: r_hoseinzadeh@yahoo.com

Tel: 0046 739 855 837

مسئول دبیرخانه کمیته کردستان

هلاله طاهری

Tel: 0046 73 61 62 211

email: halale_taheri@yahoo.com